



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ مطابق ۱۵ شهریور الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۲

غائبین با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - میرزا حسینخان جلایی - علیخان اعظمی - آقا سید زین العابدین - میرزا هاشم آشتیانی.

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر که ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه ۲۹ شهریور قرائت و تصویب شد.

غائبین بدون اجازه — آقایان: محمدولی خان اسدی — میرزا احمدخان شریعت زاده — میرزا ابراهیمخان قوام — ملک ایرج میرزا پور تیمور — محمد هاشم میرزا افسر — میرزا حسن آقازاده سبزواری — دکتر محمدخان مصدق — صادق خان خواجوی .

دیرآمدگان با اجازه — آقایان: آیت الله زاده خراسانی — حاج حسن آقا ملک .

دیرآمدگان بدون اجازه — آقایان: میرزا سید مهدیخان فاطمی — فیروز میرزا فیروز — مرتضی قلیخان بیات — آقا شیخ محمدعلی امام جمعه شیراز — میرزا محمد علیخان نظام مافی — آقا شیخ علی دشتی — میرزا اسمعیل خان نجومی — امیر تیمور کلای — غلامحسین میرزا سعید — میرزا محمد تقی بهار — میرزا علی اکبرخان داور آقای بهبهانی راجع به عملیات شنیه طایفه و هابیه در حجاز و اثرات سوء آن نسبت به مسلمین دنیا عموماً و ایران خصوصاً و لزوم اقدامات جدی از طرف دولت و تشکیل کنگره بین المللی از نمایندگان دول اسلامی برای اصلاح و رسیدگی به این امور شرحی تقریر و پیشنهادی به قید دو فوریت راجع به تشکیل یک کمیسیون دوازده نفری منتخبه در شعب برای تعیین تکلیف قطعی این موضوع تقدیم و آقای رئیس الوزراء راجع به بیانات جلسه گذشته آقای دکتر مصدق در خصوص ارسال مراسله از طرف آقای فروغی به سفارت دولت شوروی و قبول قضاوت اتباع آن دولت در محاکمات وزارت امور خارجه اظهار نمودند ارسال چنین نوشته را از طرف آقای فروغی تردید و عملاً هم این قضیه واقعیت نداشته و دعاوی اتباع آن دولت در محاکم عدلیه رسیدگی میشود و راجع به بیانات آقای بهبهانی و قضایای حجاز هم اظهار نمودند دولت با کمال جدیت مشغول بوده و اقدامات خود را تعقیب مینماید و در باب مراسله دیگر آقای فروغی به سفارت انگلیس اظهار بی اطلاعی نموده و اظهار داشتند در این خصوص هم تحقیقات لازمه شده نتیجه به مجلس شورای ملی اطلاع داده خواهد شد .

خبر شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقای آقا حسین آقایان از شاهرود قرائت و چون آقای فاطمی مخالف بودند موکول به بعد شد . پروگرام دولت مطرح و در ضمن شور کلی آقای فرزند راجع به عدم توازن صادرات و واردات و تعدیات مأمورین دولتی به مردم و لزوم اقدامات سریع برای ازدیاد صادرات و جلوگیری از فشار مأمورین و تعیین خطوط آهن از طرف دولت و اقدام فوری در استداد خط شرحی تقریر و آقای بهار موافق بوده و اظهار مینمودند اجرای نیت نماینده محترم البته منظور نظر هیئت دولت بوده و البته اجرای اصلاحات و وسائل تسهیل امور تجارت و استداد خط آهن و غیره تدریجی بوده و مدتی وقت لازم است .

آقای ارباب نیز راجع به لزوم اجرای قوانین مصوبه ادوار مختلفه مجلس از طرف دولت و اصلاح کامل وضعیات ادارات دولتی و رفع تعدی مأمورین دولت از مردم و لزوم پیشنهاد لایحه قانونی از طرف دولت به مجلس شورای ملی برای رفع توقیف وجوه حاصله از قند و شکر و جریان آن در مملکت برای استفاده عموم تا موقع

احداث خط آهن و توجه به عریضه تقدیمی تجار و اصناف به مجلس شورای ملی اظهاراتی نموده و آقای حائری زاده موافق بوده و اظهار مینمودند بدیهی است اصلاح کلیه امور ضروری بوده و البته باید متی با موافقت نظر مجلس شورای ملی و هیئت دولت تدریجاً اصلاح شود .

آقای فهیمی نیز مخالف بوده و شرحی راجع باجمال و ابهام پروگرام و مواد آن اظهار و آقای بانداد شرحی شعر به موافقت و عملی بودن مواد پروگرام تقریر و آقای وزیر عدلیه اظهار نمودند چون اظهارات این بنده در جلسه گذشته راجع به دستگیری بعضی از اشخاص در چند سال قبل مورد سوء تفاهم بعضی از آقایان محترم شده توضیحاً عرض میکنم که قصد توهین نسبت به آقایان نبوده و هرگاه در آن زمان تضحیقاتی نسبت به بعضی از آقایان محترم شده از روی سهو و اشتباه بوده و مورد تأسف است .

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و در قسمت اول پروگرام آقای فرزند اظهار نمودند حفظ روابط حسنه مستلزم حسن روابط تجاری و اقتصادی است و لازم است دولت با دولی که نسبت بقالی های ایران تضحیقاتی وارد میآورند معامله متقابل نموده یا وسائل رفع آن را فراهم آورند .

آقای حائری زاده شرحی شعر به موافقت تقریر و آقای آقا سید یعقوب راجع به جلوگیری از صدور مال التجاره های ایران در سرحدات شمالی و اغتشاش بعضی نقاط شرحی تقریر و اظهار مینمودند با این اوضاع روابط فعلی را نمیتوان حسنه تقی نمود و بهتر این بود به جای حفظ روابط حسنه ایجاد روابط حسنه نوشته میشود .

آقای یاسائی اظهار نمودند البته بین دولت ایران و دول همجوار روابط حسنه موجود و محتاج به ایجاد نیست و هرگاه مشکلاتی از حیث امور اقتصادی موجود باشد بطوریکه در قسمت دوم ذکر شده با مساعی دولت مرتفع خواهد شد .

در قسمت دوم آقای ارباب کیخسرو لزوم ذکر جلوگیری از اشیاء تجملی را در این قسمت لازم و ذکر مسأله ترانزیت را با قید آن در عهدنامه ایران و روس غیر ضروری دانسته و آقای حائری زاده اظهار نمودند البته قسمت راجع به اشیاء تجملی بطرح نظر هیئت دولت بوده و برای رفع این محظور اقداماتی خواهند نمود و مسأله ترانزیت هم راجع به واردات است و با ترانزیت مرقومه در عهدنامه اصطکاک ندارد .

در قسمت سوم نیز آقای ارباب کیخسرو شرحی راجع به لزوم اصلاحات در مالیات ارضی و توجه خاصی در این موضوع برای توسعه امور فلاحت تقریر و آقای حائری زاده اظهار نمودند در قسمت سوم اصلاح امور مالییه ذکر شده و بدیهی است راجع به اصلاح این قسمت نیز اقداماتی از طرف دولت به عمل خواهد آمد .

بقیه مذاکرات در پروگرام به جلسه آتیه موکول و برای شرفیابی حضور اعلیحضرت همیونی جهت تبریک عید مولود حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله اقتراح به عمل آمده و آقایان بصله ذیل تعیین شدند آقایان: غلامحسین میرزا — بهار — علی خان

در جلسه ۳ مهر ۱۳۰۵ قرائت و تصویب شد .

رئیس مجلس شورای ملی — سید محمد تدین (منشی: سید ابراهیم ضیاء) (منشی: امیر تیمور کلای)

صورت مشروح مجلس مورخه یوم پنجشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ مطابق پانزدهم ربیع الاول ۱۳۴

حنیف اسلام است میباشد. نظر به اینکه خطه حجاز از نقطه نظر سیاست اسلامی و عظمت فرق مختلفه مسلمین فوق العاده اهمیت دارد از بعد از جنگ بین المللی دول اروپا توجه خاصی به این نقطه داشته و هر یک از متخاصمین جنگ هر روز بدست اسراء نادان بی اطلاع عرب یک سیاست های سرسوزی را در آنجا تعقیب و یک رل های جدیدی بازی کرده و می کنند متأسفانه آنها که کمتر از همه در این سیاست عمیق اسلامی شرکت داشته اند دول ثلاثه مستقله اسلامی ایران — ترکیه — افغانستان است و باز با نهایت تأسف اهمال کاری بجائی رسیده که چندی قبل در یکی از جراند میخواندم که یکی از دول معظمه اروپا (فرانسه) خودش را دوم مملکت اسلامی خطاب میکند نمی خواهم فعلاً اهمال کاری و غفلت دول اسلامی خصوص دولت ایران را که میتوان این پیش آمدها را مستقیماً مستند به آنها کرد بیان نمایم بگذارم و بگذرم .

همه کس باید تصدیق نمایند که خطه اسلامی حجاز فقط از نقطه نظر اجراء آداب و رسوم و سنن مذهبی برای مسلمین اهمیت ندارد. بلکه وضعیت جغرافیائی و تاریخی حجاز نوعیست که محل مزبور از حیث سیاست اسلامی و حفظ بیضه اسلام و استقلال هفتصد کرور مسلمین دنیا در درجه اول اهمیت واقع شده است و از همین نقطه نظر است که امروز جمیع دول و ملل اروپا با یک نظر مخصوص متوجه سیاست خفی حجاز شده و کاملاً مشغول مطالعات عمیقه در حقیقت سیاست مزبور هستند تصور می کنم محتاج به اقامه دلیل و برهان نباشیم که تغییرات بی دریبی و انحلال رژیم های متعدده و سقوط اسراء و شرفاء حجاز و آمدن دیگران به جای آنها یک مسائل ساده نبوده و مسلماً مبنی بر یک سیاست هائی در تحت استتاری بوده که انگشت اجانب در زیر آن حرکت میکنند و اگر به اندک دقتی به وضعیت کنونی شبه جزیره عربستان و اسارت مسلمین بدست دول مقتدره اجنبی ملاحظه شود مقصودم را بخوبی درک خواهید نمود عجلتاً امروز قبله کافه مسلمین و قبه الاسلام شمارا (ای مسلمانان غیرتمند) بدست طایفه وحشی و هابیه و ابن سعود تسلیم نموده اند و بالاخره قلب اسلام که حیات اسلامیت منوط به نگاهداری و حفظ آنست در باطن و حقیقت نفس الامر بدست یکی از طوائف اسلامی که حقیقت اسلام از آنها بری و بیزار است در چنگال دشمنان سعادت مسلمین گرفتار گردیده است و معابد بزرگ اسلامی و قبور پیشوایان و ائمه طاهرین (با اینکه معابد هر طایفه و مذهبی حتی بودائی نزد جامعه بشر محترم است) در تحت سم ستوران اعراب وحشی بدوی خراب و خاک آنها به باد می رود آیا موقع آن نرسیده است که در مقابل این فجایع از طرف ما مسلمانان تنفسی شده عرض اندامی

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید).

(صورت مجلس یوم سه شنبه بیست و نهم شهریور را آقای آقا سید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند).

رئیس — آقای بهبهانی. (اجازه)

آقا میرزا سید احمد بهبهانی — بنده قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب — قبل از دستور.

رئیس — آقای دادگر. (اجازه)

دادگر — قبل از دستور.

رئیس — آقای حاج حسن آقا سلک. (اجازه)

حاج حسن آقا سلک — بنده هم قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس — نسبت به صورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفته شد — خیر)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. آقای بهبهانی. (اجازه) بهبهانی — بنده در دو روز قبل اجازه خواسته بودم قبل از

دستور عریضی راجع به وضعیت انتخابات طهران که محل اعتراض نماینده محترم واقع شده بود و شکل جریان او و اینکه مطلب آنطوریکه نماینده محترم ایراد کرده اند نیست و حقیقت غیر از آن است ولی آنروز اجازه به بنده نرسید و نتوانستم آن عریض را عرض کنم و حالا هم که اجازه خواسته ام و موفق شده ام یک مطلب مهمتری به نظر هست که میخواهم آنرا خدمت آقایان محترم تذکر بدهم لهذا آن مطلب راجع به انتخابات را در موقع دیگری به عرض آقایان خواهم رسانید بنده یکی از تکالیف مهمه دیانتی و سیاسی خود میدانم امروز که پروگرام دولت مطرح مذاکره نمایندگان محترم و محل نظر و توجه عامه مسلمین این قطعاً از مسالک اسلامی است استفاده نموده مطلبی را که در نهایت اهمیت و در نزد مسلمین دنیا بلکه عامه سیاسیون عالم فوق العاده جالب توجه است تذکر داده و در این مقام مقدس که بالاترین مقام رسمی ایران است اولین وظیفه خود را ادا کرده بلکه به همت نمایندگان محترم و مساعدت دولت وقت به آخرین تکلیف در انجام وظیفه موفق شویم و هرگاه صلاح بدانند در پروگرام خود ماده مخصوصی را برای انجام این تکالیف الهی و سیاسی حقاً اختصاص دهند .

مسأله مهمی که امروز افکار سیاستمدان دنیا اعم از مسالک اسلامی و غیر اسلامی را به خود جلب کرده است موضوع ظهور طایفه و هابیه و عملیات شنیع ظالمانه آنها نسبت به مسلمانان و مقدسات اسلامی در نقطه مملکت حجاز که مبداء و مظهر دین

شود - تاکی بی حالی - تاکی بی اعتنائی - تاکی سماعه - قطع نظر از ضربه شدیدی که بواسطه ظهور این وضعیت اسفناک در مکه معظمه و مدینه طیبه مستقیماً به پیکر مملکت ایران و مسلمین ایران وارد آمده و قلوب هر یک از مسلمانان ایرانی را مملو از خون نموده‌اند باید دانست که ظهور این فجایع فقط یک قیام ساده مذهبی و طغیان یک‌سشت بدوی نیست اینها یک نقشه‌های مخوف و خطرناک است که برای اضمحلال جامعه اسلامی کشیده شده. می‌خواهند یک صفوف جدیدی به سبب اسلامی که بدست کفار اسیر و در زیر زنجیر قیومیت واقع شده‌اند بیفزایند و می‌خواهند به وسیله یک طایفه گمراه مزدوری بین مسلمانان کره ارض تجدید اختلاف نموده تعصبات مذهبی را از نو شروع نمایند. بلی - اگر سه سبب است استقلال اسلامی ایران - ترکیه - افغان را موضوع نموده و یک نگاهی به جامعه مسلمین دنیا بنمائید می‌بینید که صدها کشور مسلمانان روی زمین به وسیله بازی کردن همین رلهای سیاسی مانند قضیه حجاز و وهابیه و انداختن اختلافات در سایر مسلمانان. و ایجاد تعصبات مذهبی امروز در زیر زنجیر قیومیت اجانب گرفتار و مانند زالو شیرو حیات آنها را می‌کند. حال در مقابل این خطرات عظیمی که در مقابل اسلام و مسلمین عرض اندام کرده است مسلمین دنیا چه میکنند و مخصوصاً ایران که هم از نقطه نظر سیاسی و هم از نقطه نظر مذهبی از جمیع فرق اسلام بایستی علاقه مندتر باشد در چه حال است؟ آقا بالاسرها - قیمها - متولیهها - سیاست‌سدارها - صاحب اختیارها - بالاخره آنها که همیشه خود را همه چیز و دیگران را ناچیز می‌شمارند در این موقع مهم سیاسی و دنیائی - در این موقع حیاتی در این مدت مدید (تقریباً مدت یک سال) چه کرده‌اند؟ جمعی مشغول تکذیب - جماعتی بی‌خیال - چند نفر مشغول کار - ولی چه کار - نشستند و گفتند و برخاستند - از هر کس پرسیدم گفتند مشغول مذاکره هستیم - خلاصه تاکنون چه کرده‌اند حرف زده‌اند. حرف خالی و بی‌فایده چیز دیگری از این نشست و برخاستها دیده نشد.

در یکی از جرائد خواننده شد این سعود در جواب نماینده افغانستان اظهار میدارد. می‌خواهد موهومات وحشو و زوائد اسلامی را اصلاح کند. منجمله زیارت قبور خاتم النبیین (ص) و ائمه هدی (ع) در بقیع و غیر بقیع را یکی از آن موهومات قرارداده و از آنها تعبیر به بت پرستی نموده صریحاً میگوید باید این قبیل بت پرستی‌ها را از بین برد. بنده عرض نمیکنم تمام فرق مسلمین بایند بعضی موهومات نیستند ممکن است یک حشو و زوائدیهوم وجود داشته باشد ولی عرض میکنم اولاً زیارت رسول اکرم (ص) به اتفاق جمیع فرق مسلمین یکی از عبادات مهمه است چنانکه قاضی عیاض که یکی از معتبرین اهل سنت و جماعت است میگوید: (و زیارت قبره (ص) بین المسلمین مجمع علیها و مرغب فیها) اخبار صریحاً داله بر سنت زیارت حضرتش در کتب خاصه و عامه زیاد از حصر و تعداد است و کلمات علماء فریقین بر نقل اجماع در این خصوص موجود که نقل آنها ما را از مطلب خود دور مینماید و ثانیاً طایفه ظالمه و وهابیه با عده قلیل بلکه نسبت به فرق دیگر

مسلمانان اقل قلیلند و اعمال وحشیانه آنها چه صلاحیتی برای اصلاح عالم اسلامیت دارند ما و شما اگر فی الجمله کنج کاوی در اظهارات و عملیات این طایفه طاغیه بنمائیم بی‌بینیم فقط حمله مستقیم آنها به مسلمین ایران و پیروان مذهب تشیع است هرگاه نظریات اجانب را نسبت به بین‌النهرین و اقتدارات شیعیان را به واسطه وجود شاهد مقدسه در آنجا در نظر بگیرند می‌بینید که این حمله مستقیمه به ماها آقدر ساده نیست علاوه بر جنبه دینائی دارای جنبه‌های مهم سیاسی نیز میباشد. خوب دقت کنید سه دولت اسلامی را که شاید جمعیت هر سه بیش از بیست و پنج میلیارد نیست موضوع کنیم. یک نظری به جامعه چهارصد میلیونی مسلمین دنیا بنمائید. امروز با نهایت تأسف باید اعتراف کنیم که عامه مسلمین در چنگال ظالمانه اجانب اسیر می‌باشند. اوضاع سراسر کش هنوز در جریانست هزارها مسلمین غیرت‌مند را به خاک هلاک انداخته و یکی از اسراء معروف مسلمان را به جرم اسلامیت دستگیر و به بعیدترین جزائر دنیا تبعید نمودند.

جسم ممالک اسلامی سوریه و دمشق هنوز در زیر آتش توپ شعله‌ور است صدها هزار زن و اطفال مسلمین بدست کفار شهید شده و میشوند مسلمانان چین مانند هندوستان بتحریک اجانب بجان هم‌دیگر افتاده‌اند مملکت اسلامی حبشه را مثل گوسفند قربانی تقسیم میکنند و از خط استوا دست استمداد بطرف شما دراز کرده‌اند - خلاصه خوب این وضعیت دنیا را در نظر بگیرید و ببینید یک نفر مسلمان یک نفر ایرانی نژاد ملت پرست. بالاخره یک نفر مشرق‌زمینی در مقابل این حوادث اسلام برانداز چه تکلیفی دارد. تا که دستت میرسد کاری بکن. بعقیده بنده جسم و بیکر اسلام را هر قدر ضررت زدند عاقبت الامر بمقصود خود نرسیدند. زیرا قلب اسلام بجای خود محکم بوده متزلزل نشد امروز دیگر بقلب اسلام یعنی مکه و مدینه (حجاز) دست دراز شده‌است اگر قلب متزلزل شد بیکر متزلزل و از کار خواهد افتاد - لا ارا نا الله ذالک ایداً تکلیف چیست اولاً خیلی خوشوقتیم که کابینه حاضر جزو کمیسیون مشغول بحرف بوده و سابقه علاقمندی آنها باین مطلب معین است ثانیاً بعقیده بنده در درجه اول تکلیف این است حوادث را از حوادث عادی تصور نکرده و یقین بدانید که این ضربه مستقیم است در مرحله اول بجامعه اسلامی ایران و سپس بدول ممالک مستقل اسلامی - ترکیه - افغان وارد می‌آید و باستقلال ماها حمله میکند باید دولت. ملت. مجلس. شاه و گدا و بالاخره جامعه اسلامی بجنبش آمده و از حدود حرف تجاوز نمایند و دفاع از قلب اسلام را جزء فرائض فوری آئی خود تصور نمایند. سپس چون من معتقدم که باید قلب اسلام (حجاز) در دسترس جمیع فرق مسلمین باشد و از تحت سلطه یک طایفه مخصوص (که ممکن است آلت اجانب واقع شوند) بیرون نیاید باید بقوریت با ممالک سه‌گانه همکیش که در ایران نماینده دارند ترکیه افغان. مصر. داخل مذاکره شده و نقشه کنفرانس اسلامی در یکی از نقاط طرح و ضمناً از مسلمین هندوستان. سراسر الجزائر. تونس. حبشه. سوریه. بین‌النهرین - قفقاز نمایندگانی دعوت شوند و با توافق نظر آنها یک حکومت

بین‌المللی اسلامی در حجاز تشکیل و از هر یک ممالک مستقل اسلامی کمیته‌هایی در حجاز گماشته و همین‌طور نمایندگان مسلمین که هنوز در قید اسارت اجانب هستند حق شرکتی داده شود. و بالاخره یک کانون اسلامی در خانه خدا و حضرت رسالت پناهی (ص) تأسیس و عموم مسلمین دنیا آنرا تقویت و بالتبلیغ نقشه اجانب را خنثی نمایند در خاتمه برای اینکه از عرایض و مذاکرات خود نتیجه گرفته باشیم پیشنهاد خود را بضمون ذیل تقدیم که بقید دوفوریت تصویب نمایند

(پیشنهاد سزبور را بشرح آتی قرائت نمودند)

مجلس شورای ملی تصویب مینماید کمیسیون مرکب از دوازده نفر منتخبه از شعب شش‌گانه مجلس با شرکت دولت در قضیه ظهور وهابیه در حجاز و تجاوزات مستقیم و غیر مستقیم آنها بمقدسات سال اسلامی مخصوص ایران و تعیین تکلیف قطعی آتیه خطه سزبوره مطالعات لازمه نموده نتیجه را به اسرع اوقات تقدیم مجلس شورای ملی بنماید. کمیسیون سزبور بتوسط دولت با مقامات روحانیت در اینباب مشاوره نموده از نظریات آنها استفاده مینماید. و نیز کمیسیون سزبور بتوسط دولت لدی‌الاقضاء میتواند با نمایندگان سیاسی ممالک اسلامی ترکیه - افغانستان - مصر. در اینخصوص کنفرانس‌هایی برای تبادل نظر تشکیل بدهند عضویت این کمیسیون مانع عضویت در کمیسیون رسمی دیگر مجلس نیست.

تصور میکنم آقایان تصدیق بفرمایند که در اینباب تا بحال کوتاهی شده است و نمایندگان مجلس شورای ملی شاید خیلی ذمه‌دار این مسئله هستند. علی‌العجله پیشنهاد را به مجلس تقدیم میکنم که در موقعش مطرح شده و رأی گرفته شود.

جمعی از نمایندگان - دستور.

رئیس - وارد دستور بشویم؟

بعضی از نمایندگان - بلی.

رئیس‌الوزراء - چون در ضمن بیانات پریروز آقای دکتر مصدق اشاره به یک مراسله فرمودند که آقای فروغی به سفارت روس نوشته‌اند که آن مراسله یک لطمه وارد می‌آورد و قضایای کاپیتولاسیون را تجدید میکند بنده این اطلاعی را که ایشان دارند به هیچوجه ندارم و هیچ همچو چیزی گمان نمیکنم باشد و امروز هم کاپیتولاسیون به هیچوجه مابین ایران و روسیه برقرار نیست و اتباع روسیه را هم در عدلیه محاکمه می‌کنند و بنده هم به هیچوجه اطلاع ندارم که کاپیتولاسیون ما بین ایران و روسیه برقرار باشد و عملاً هم امروز کاپیتولاسیون ما بین دولت ایران و روسیه برقرار نیست و یک چند کلمه هم راجع به فرمایشات آقا اگر اجازه بفرمایند جواب عرض کنم خیلی مختصر راجع به فرمایشات ایشان که فرمودند (دولت در این باب قصور کرده) با اینکه نمیخواهم رد فرمایش ایشان را بکنم با کمال ادب عرض میکنم اینطور نیست و به هیچوجه دولت در این مسأله قصوری نکرده است و با کمال جدیت مشغول اقدام بوده و هست.

بهبهائی - چیزی هم دیده نشده است.

رئیس‌الوزراء - وقت مجلس را هم بنده با قدر و قیمت تر از این میدانم که بخواهم جزئیات اقدامات دولت را عرض کنم آقای مدرس که یکی از نمایندگان هستند در آن کمیسیون ما هستند و اطلاع از اقدامات دولتی دارند و آقایان علماء هم تشریف دارند منجمله آقای آقاسیرزا سیدمحمد اخوی ایشان هم در آن کمیسیون تشریف دارند و ولاد ایشان را از اقدامات دولتی مطلع کرده‌اند و نمیخواهم در این باب پیش از این عرضی کرده باشم.

خطیبی - اشارات آقای دکتر مصدق دو جمله بود. یک جمله دیگرش را نفرمودید.

رئیس - آقا بی اجازه صحبت نکنید.

رئیس‌الوزراء - در آن قسمتش اطلاعی ندارم. ممکن است تحقیقات بکنم و جواب عرض کنم.

رئیس - خبری است از شعبه چهار راجع به انتخابات شاهرود و نمایندگی آقای آقاسین آقایان به عرض مجلس میرسد.

(آقای افشار سخبر شعبه خبر سزبور را به شرح ذیل قرائت نمودند)

به تاریخ ششم اسفند ۱۳۰۴ از طرف حکومت شاهرود و بسطام از طبقات شش‌گانه و معتمدین محل برای تشکیل هیئت نظار دعوت بدو مطابق مقررات قانون اعضای اصلی و علی‌البدل و هیئت عامه به رأی مخفی از میان حضار انتخاب و تا ۱۸ اسفند ماه انجمنهای فرعیه دوازده‌گانه معین و از تاریخ ۳۱ اردیبهشت تا ششم خرداد مدت برای توزیع تعرفه و اخذ آراء معین و در نتیجه آقای آقاسین آقایان به اکثریت ۵۶۹۴ رأی از ۱۰۱۲۷ رأی به نمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شاهرود و بسطام انتخاب. شعبه در جلسات عدیده خود دوسیه و جریان انتخاب را تحت دقت نظر گرفته. و شکایات واصله را اعم از موقع جریان انتخاب و ختم آن مطالعه و هیچ یک از اعتراضات را قابل توجه ندانسته و به اکثریت آراء صحت نمایندگی منتخب این حوزه انتخابیه را تصدیق و راپرت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. شور در کلیات پروگرام دولت است. آقای فرزند (اجازه).

فرزند - بنده نه با کابینه آقای مستوفی و نه با شخص ایشان و نه با وزراء شان مخالف نیستم فقط یک نواقصی در پروگرامشان دیده‌ام که به عقیده بنده باید در آن بحث کرد بقول خود آقا حلاجیش کرد قبل از اینکه داخل اصل بحث در پروگرام بشوم یک جمله آقای وثوق‌الدوله پریروز در ضمن نطقشان فرمودند که بنده می‌خواستم آن جمله را تردید کنم برای اینکه ایشان در ضمن بیاناتشان فرمودند: من در مواقع سختی که رجال دیگر ایران زیر بار مسئولیت نمی‌رفتند و می‌ترسیدند که افکار عمومی نسبت بآنها بدبین شده‌واز وجهه‌ملی آنها کاسته شود و نمیتوانستند اسورات مملکتی راحل و عقد کنند من در آن موقع زیر بار مسئولیت رفتم. بنده می‌خواستم این جمله را که ایشان فرمودند تکذیب کنم برای اینکه

بعداز این که آقای وثوق الدوله تشریف بردند آقای مشیرالدوله مسئولیت امور مملکتی را قبول کردند و آن یک موقع فوق العاده خطرناکی بود که از طرف شمال یک تحریکات شدیدی در ایران میشد ..

بعضی از نمایندگان — (بطورهمهمه) خارج از موضوع است فرمند — بنده حق دارم مطالب خودم را بگویم. در آن زمان هم بنده در شهر طهران بودم افکار شهر تهران فوق العاده انقلابی و بر لبه آن انقلابیون ایران و بر علیه دولت آقای مشیرالدوله و شخص مشیرالدوله بود. و آقایان بنده در طهران بودند مخصوصاً آقای مدرس مسبقاً که ایشان در آن موقع لغت متجاسر را از کتاب لغت بیرون آوردند و با کمال جدیت بر ضد افکار عمومی با آنها جنگ را شروع کردند و در ضمن با کمال سیاست دانی حل بعضی قضایا را بدست آقای مشاور الممالک کردند که خود آن سیاست اسباب رنجش های فوق العاده در منابع سیاسی دیگر شده بود که اگر خاطر آقایان مسبقاً باشد لرزگر زن هم عصبانی شده بود و گفته بود سیاست ابلهانه مشیرالدوله کارها را خراب کرده:

(همهمه نمایندگان — صدای زنگ رئیس)

فرمند — بنده مقصودم این بود که ثابت کنم آقای مشیرالدوله یکی از رجال مهم سیاسی ما هستند که در مواقع سخت مسئولیت مملکت را قبول نموده و بعضی فداکاریها هم برای مملکت نموده اند و همین طور معتقدم که رجال دیگر از قبیل آقای مستوفی الممالک بوده اند که در مواقع سخت خدمت مملکت نموده و مسئولیت را قبول نموده اند و نیز معتقدم که رجال ما باید رعایت انصاف و نزاکت را داشته باشند و چنانکه آقای مشیرالدوله و آقای مستوفی الممالک حفظ الغیب آقای وثوق الدوله را در این چندساله سبک کردند ایشان هم رعایت بعضی مطالب را در فرمایشاتشان بفرمایند

یک نفر از نمایندگان — اینها مربوط به پروگرام نیست

فرمند — بسیار خوب وارد در قسمت پروگرام میشوم. بنده وضعیت کنونی مملکت را خیلی خوب نمی دانم و همین قدر می بینم ما در تحت دو فشار فوق العاده واقع شده ایم یکی در تحت فشار اقتصادی و یکی هم در تحت فشار مأمورین دولت. فشار اقتصادی از نقطه نظر این است که چند سال است صادرات و واردات ما از موازنه افتاده است و هر سال یک مبلغی پول از این مملکت بیرون می رود مثلاً در پارسال که هزار و سیصد و چهار باشد تقریباً هشتاد کرور پول در این مملکت رفته است ..

رئیس — قدری تأمل بفرمایید عده برای مذاکره کافی نیست (وارد شدند)

رئیس — بفرمایید.

فرمند — و بنده گمان میکنم که دولت باید اهمیت فوق العاده باین مسئله داده و نگذارند که صادرات و واردات ما از توازن با یکدیگر خارج شود برای اینکه صادرات و واردات را بودجه ملی میدانم زیرا بودجه دولت پایه اش بر روی بودجه ملی است و اگر مملکت فقر و فاقه پیدا کند بودجه دولت نقصان پیدا میکند و بودجه دولت که بحمد الله موازنه پیدا کرده است ولی از لحاظ قسمت صادرات اگر توجهی بآن نشود این موازنه مهم از بین خواهد رفت

در این پروگرام یک مصادی پیش بینی شده است (برای همین مسئله) که صادرات ما زیاد شود صادرات و واردات ما موازنه پیدا کند. ولی بنده اینها را خیلی فوری نمیدانم و معتقدم که مخصوصاً دولت باید نظر داشته باشد که یک اقدامات و پیشنهادهایی به مجلس بکند که زودتر صادرات ما شروع باز دیاد کند. مثلاً اگر دولت الغاء مسئله قالی جوهری را پیشنهاد کند بمجلس از نقطه نظر قالی های موجود صادرات ما را زودتر زیاد میکند و هم چنین بعضی چیزهای دیگر از قبیل عتیقه جات و غیره که بنظر بنده اهمیتی ندارد و باید دولت یک فکری برای سهولت تجارت ایرانها در شمال بکند و یک فکرهای فوری تری برای صادرات ایران در نظر بگیرد و مثلاً تجارت قالی و تریاک را که دو صادرات مهم است دولت باید اینها را در نظر بگیرد ...

آقای یاقوب — معلوم نیست که ایشان مخالفند یا موافق؟

فرمند — اجازه بدهید. باید دولت پیشنهادی بکند مخصوصاً برای قالی جوهری که اسباب زحمت تجار شده است و صدور آن را آزاد بگذارند. اما در خصوص فشار مأمورین دولت. خود آقایان وزراء و آقایان نمایندگان هم مطلعند و تصدیق دارند که مأمورین دولت فوق العاده به مردم فشار وارد می آورند و خود این فشار در دهات به ضرر اقتصادی ملت تمام میشود و به عقیده بنده اگر دولت راجع به این قسمت چیزهایی در این پروگرام پیشوند که جلوگیری از فشار مأمورین دولت میشد بهتر بود تا این قسمتهائی که نوشته است برای اینکه امروز تمام مأمورین وزارتخانه ها آنچه که میتوانند به مردم فشار می آورند مخصوصاً خیلی بی نزاکت و بد خلقی نسبت به مردم می کنند و شکایت مردم هم غالباً از همین نقطه نظر است. بنده مخصوصاً دولت را متوجه میکنم که اگر چنانچه این فشارهای مأمورین دولت و این فقر اقتصادی ادامه پیدا کند ممکن است دچار یک مخاطرات وخیم و یک تشنجات اجتماعی بشویم که در آتیبه اسباب زحمت دولت شود و یک نمونه از آن تشنجات اجتماعی را خود آقای مستوفی در کابینه اخیرشان در بعضی از نقاط مملکت مشاهده فرمودند بالاخره وقتی مردم عاصی بشوند یک مخاطراتی در بین است و باید نگذاشت مردم عاصی شوند و رعایت حال آنها را نمود و به نظر بنده به واسطه فقر و فلاکت است که ممکن است مردم عاصی شوند باید جلوگیری از فقر و فلاکت مردم نمود و چنانچه جلوگیری از این قسمت نشود با وضعیت حاضر ممکن است برای دولت اشکال و در در سر فوق العاده فراهم نماید.

اما در خصوص راه آهن اینجا یک ماده هست که در آن موقعی که به آن ماده برسیم بنده در آن صحبت خواهم کرد ولی عجالتاً یک مختصری عرض میکنم در خصوص راه آهن این ماده ده که راجع به آن نوشته شده به نظر بنده خیلی بوی مساسحه را دارد و مخصوصاً از این نقطه نظر با این پروگرام مخالفم برای اینکه درست وقتی انسان توجه میکند به این ماده می بیند که وعده اش خیلی دیر داده شده است و بنده خیلی متأسفم از اینکه در این پروگرام ندیدم یک قسمت جدی برای راه آهن نوشته شده باشد در صورتیکه وضعیت اقتصادی ما را چیزی اصلاح نمی کند مگر

بیایند و مال التجاره شان را بفروشند یا مال التجاره از آن بندرحمل کنند به سایر نقاط عالم که بالاخره ما بواسطه آن بندر از رقابت بین المللی و آزادی دریاها استفاده نموده و وضعیت اقتصادی ما پایه پیدا کند.

عجالتاً ما در تحت فشار طبیعی و اقتصادی هستیم و بنده تصور میکنم واجب ترین وظیفه هر ایرانی مخصوصاً ایرانیهائی که مصدر کارند و مسئولیت مملکت را گردن گرفته اند این است که به هر وسیله و به هر ترتیبی شده زودتر راه آهن را شروع کنند و شروع این است که کمپانی ساختمان را طلبیه با او قرارداد می منعقد کنند که شروع به کار نقشه برداری کند والا با مهندس مذاکره کردن و این قبیل چیزها اسباب معطلی کار و مسامحه است و ممکن است دو سال مقدمات نقشه برداری را مهندس طول بدهد و یک فرسخ هم در این مدت دو سال برای ما راه آهن نکشد و بنده کاسلاً علاقه مند هستم به اینکه راه آهن را بلکه همین دولت حاضر کنترالتش را ببندد و به مجلس بیاورد و مجلس هم فوری تصویب کند تا هر چه زودتر شروع به کشیدنش بشود و در موقع مواد هم در این قسمت عراض را عرض میکنم.

رئیس — آقای بهار (اجازه).

بهار — در حقیقت میتوان گفت که نماینده محترم جزو موافقین دولت بودند منتهی در سواد پروگرام ایشان بعضی نظریات شرحی داشتند که بعضی از قسمتهای آنها اساساً صحیح بود و در موقع اجرای به عمل هم بایستی سراجعه بفرمایند به هیئت دولت و آقایان وزراء نظریات ایشان را تأمین کنند و البته نظریاتی که راجع به اجرای بعضی از مواد خاصه راجع به راه آهن داشتند آن اندازه که مصلحت است طرف توجه واقع میشود لهذا بنده در مقابل فرمایشات ایشان مجبور نخواهم شد به خودم زحمت مدافعه بدهم.

در قسمت اول هم چون داخل شخصیات شدند و به عقیده اکثریت آقایان رفقا و نمایندگان محترم مذاکره در شخصیات زیاد از حد شد دیگر لازم نیست در آن باب عرضی بکنم و همانطوری که ایشان فرمودند تمام رجال سیاسی ما طرف توجه و اعتمادند و همان طور که آقای مدرس در جلسه قبل فرمودند کاش ما نظیر این رجال محترم صدها و هزارها میداشتیم تا در هر سوردی به هر سیاستی که مبتلا میشدیم یک دسته رجال دانشمند بودند که مملکت را از ورطه بدبختی نجات میدادند و به عقیده بنده از جزئیات و از شخصیات نه در این جلسه بلکه من بعد هم باید صرف نظر شود زیرا عمر مملکت ما یک قسمت مهمش یک قسمت بزرگ زندگانی اجتماعی ما به شخصیات تلف و برگذار شده است و دلیلش هم این است که نتیجه وافق و کافی از این مبارزات و مذاکرات شخصی نبرده ایم جز اینکه عده کمی که از رجال فاضل و توانا و دانشمند برای ما باقی مانده این عده هم همیشه در معرض حملات و انتقادات شخصی و نظریات خصوصی در زحمت بوده اند و کمتر توانسته ایم از وجود رجال دانشمند مملکت چه رجال قدیم و چه رجال جدید آن استفاده را که شایسته است بکنیم. بنده تصور میکنم در این

راه آهن و البته راه آهن وقت لازم دارد اما تصور میکنم که اگر دولت جدباً بخواهد راه آهن بکشد تا یکسال و نیم دیگر میتواند یک راه آهن بکشد که آن راه آهن یک تأثیراتی در زندگی اقتصادی ما داشته باشد برای اینکه زحمت فوق العاده راه آهن فقط پول است پول که بود کار خیلی آسانی است مخصوصاً برای آقایان عرض میکنم در موقع جنگ بین المللی امریکائی ها که قشون کشی کردند به حدود غرب از پر دو تا فرونت فرانسه چهار خط آهن کشیدند آن خط آهنهای بزرگ را در عرض ششماه کشیدند. پول که حاضر شد میشود به سرعت راه آهن را درست کرد و راه آهن یک چیزی نیست که فوق العاده وقت لازم داشته باشد و بنده برخلاف آقایانی که تصور میکردند زحمت فوق العاده دارد معتقدم که هیچ زحمت فوق العاده ندارد و تصور میکنم خواستن مهندسی که در دوره پنجم تصویب شد که بیاید برای راه آهن و بنده مخالف بودم برای این بود که عقیده ام این بود که اول دولت و مجلس باید تشخیص بدهند که کدام طرف را راه آهن باید کشید بعد متخصص بیاورند که آن راه را بکشند حالا هم عقیده دارم که فقط قسمت اختصاصیش که عبارت از کشیدنش باشد مربوط به مهندس است ولی جنبه سیاسی و جنبه نظامیش و جنبه اجتماعی مربوط به دولت و رجال مملکت است و هیچ مربوط به مهندس نیست مثلاً اگر دولت تشخیص داد که فلان نقطه را باید وصل کنند به فلان نقطه آنوقت دیگر مهندس نمیخواهد یک کمپانی ساختمان را می طلبند و با آن کمپانی یک قرارداد می بندند کمپانی ساختمان هم خودشان مهندس و نقشه کش دارند و هم با تمام کمپانیها که ریل میفرشند و لوکوموتیو میفرشند و با تمام آنها که لوازم راه آهن را دارند با همه آنها سر اوده و آشنائی دارند و با تمام آنها یک قراردادهائی دارند آنها را کنترات می کنند مشغول کار میشوند و تشخیص خواهند داد که از فلان دره یا فلان راه باید خط آهن کشیده شود و این مربوط به مهندس نیست و مربوط به خود دولت است برای اینکه دولت خودش بهترین متخصص است و بالاخره به عقیده بنده اگر چنانچه مهندسی هم بیاید تازه از وزارت فوائد عامه بپرسد که آقا من بروم کدام خط را مطالعه کنم اگر بگویند همه خطوط را برو مطالعه کن چند سال طول دارد تا تمام راهها را مطالعه کند و نقشه کشی کند در صورتیکه جنبه اقتصادی آنها با وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه است که باید تشخیص بدهند کدام ولایت ما مال التجاره بیشتر میتواند فراهم کند یا کدام نقطه حاصل خیزتر و کدام نقطه صنایعش بیشتر است از آن نقطه خط آهن را شروع کنند.

پس در خصوص راه آهن بنده کاسلاً با این ماده ده پروگرام و خود پروگرام مخالفم و عقیده ام این است که دولت باید فکر جدی برای راه آهن بکند و غیر از این فکری که کرده فکر جدیدتری بکند برای اینکه این زندگانی اقتصادی را که ما پیدا کرده ایم نمی توانیم ادامه بدهیم و با رفع ترانزیت و این حرفها هم کارها اصلاح نمی شود مگر اینکه ما یک راه آهن داشته باشیم در یک بندر آزادی از بنادر ایران که وصل باشد آن راه آهن به آن بندر که کشتیهای مال التجاره و تمام ملل دنیا بدانند که باید به آن بندر

و اصلاح و پیشنهاد آن به مجلس) و این همان مقصود آقای فرسند نماینده محترم است.

بدیهی است راه‌آهن را از کویر به کویر شروع نمی‌کنند که نه سال‌التجاره از آنجا عبور کند و نه هیچ بلکه از دریا به دریا شروع می‌کنند و خط‌آهن را جایی می‌کشند که محل عبور سال‌التجاره باشد و فائده داشته باشد و طوری باشد که مسافری و سیاحان گذرگاهشان ایران باشد و ایالات خوب و پرجمعیت ما به هم وصل شود البته تمام این ملاحظات خواهد شد. به عقیده بنده این قسمتها حاصل شده البته در کشیدن راه‌آهن مطالعات عمیقی شروع خواهد شد و نظریه حضرتعالی تأمین خواهد شد خواستن مهندس هم برای همین منظور بود و برای مسأله فوق‌العاده نبود زیرا در راه‌آهن اولین قدمی که باید برداشته شود خواستن مهندس است زیرا او باید مسأله را حل کند و البته در ضمن ملاحظات نظامی و اجتماعی و اقتصادی و غیره هم خواهد شد مهندس هم برای همین خواسته شده که این مسائل را تشخیص بدهد و این نظریات را اجرا کند و هر راهی را که صلاح میدانند از آن راه مشغول کار شوند حالا که به قول شما پول داریم مهندس هم دعوت شده است مجلس هم باین مقصد مشروع مقدس موافق است باید هر چه زودتر این قضیه را شروع کرد. نماینده محترم با اینکه با پرگرام موافق نبودند معذرا حرارتشان از ما بیشتر بود.

در هر صورت اسیدواریم آقایان نمایندگان دست به دست هم داده از دولت استفاده کنند تا انشاءالله این سرام عملی بشود اگر به اجرای تمام سواد این پرگرام موفق شدیم که سعادت بزرگی است و اگر هم به تمام سواد موفق نشدیم به حکم (مالایدرک کله لایترک کله) به اجرای هر قسمتش موفق بشویم باز خوب است.

رئیس — آقای ارباب (اجازه).

ارباب کیخسرو — بنده قبل از اینکه وارد در جزئیات عرایضم بشوم لازم است بطور اشاره در جواب فرمایش آقای ملک عرض کنم که بنده هم از موافقینم و البته آنچه که اینجا گفته میشود برای مخالفت با هیئت دولت نیست ولی بدیهی است وقتی که پرگراسی به مجلس بیاید آن هیئت دولتی که پشتیبانش یک اکثریتی است باید با آن اکثریت در باب پرگرام خودش مشورت کند و بعد آن پرگرام را به مجلس بیاورد. حالا اگر مشورت کرده است بنده نمیدانم زیرا جزو منفردین هستم.

یک نفر از نمایندگان — هیچکس نمیداند.

ارباب کیخسرو — آنچه را که در اینجا گفته میشود و آن چیزی که بنده را وادار کرده است که موقع را منتهم بدانم و مطالبی عرض کنم نتیجه یک تفکرات و نظریاتی است که به سرور زمان برای شخص پیش می‌آید بنده حقیقتاً وقتی که به فکر فرو بروم که ما چه هستیم؟ که ایم؟ به کجا می‌رویم؟ به قانون اساسی و به حجم قوانین موضوعه نگاه میکنم حقیقتاً نمی‌فهمم ما چیستیم؟ روزی از برای پیدا کردن یک ماده قانون اساسی را مطالعه میکنم که به جایی برخوردیم که لازم شد تمام قانون اساسی را سراجعه کنیم و

ملت ایران وحدت ملی دارند و تمام ایرانیها دست اتحادشان بجانب هم دراز است. اما آن چیزیکه راه‌آهن برای اوست چیست؟ به عقیده بنده برای حفظ امنیت و حفظ حدود و ثغور مملکت است. راه‌آهن برای مسائل اقتصادی است. اگر مسأله امنیت و اقتصادیات ستززل شود نه تنها وحدت ملی نخواهد بود بلکه وحدت خانوادگی هم موجود نخواهد بود و از بین خواهد رفت فقر و فاقه یک خانواده را از هم متلاشی میکنند و از بین می‌برد. در اینجا نسبت به هر قسمتی از سواد یک نظریاتی در نظر گرفته‌ام که در سوبقیه که نوبت اجازه به بنده رسید در موقع خودش عرض خواهم کرد ولی بطور کلی در اینجا تجدید عرض خود را کرده‌ام و استدعا دارم هیئت دولت حاضر بدل توجه مخصوص نسبت به چند فقره بنمایند که خیلی لازم است اولاً راجع راه‌آهن که در اینجا صحبت شد - چرا مجلس موافقت کرد - برای چه وقتیکه مسئله مالیات قند و شکر در مجلس پنجم مطرح شد نه فقط مجلس موافقت کرد - بلکه صدای موافقت از عموم مردم بلند شد و با کمال میل برای این امر حاضر شدند؟ زیرا برای منافع عمومی بود - ولی متأسفانه نمیدانم از چه نقطه نظر عرض کنم که عملیات گذشته بر ضرر مردم تمام شده است - چنانچه مبالغی پول مملکت که باید در دست عموم در جریان باشد عجلانه توقیف شده است با این وضعیتی هم که فعلا در پیش است معلوم نیست که ما کی دارای راه‌آهن خواهیم شد - راه‌آهن برای اقتصادیات و برای اصلاح امور مردم است و بالاخره راه‌آهن نباید برای حمل‌جنازه ملت باشد - این وضعیت اقتصادی ملی دارد ما را می‌کشد - تجارت و همه چیز ما را دارد از بین می‌برد - عقیده بنده این است دولت قبل از اینکه موفق بشوند راه‌آهن بشود تصمیمی در این گرفته و کاری بکند که این پول از توقیف خارج شود - خوب است یک قانونی بمجلس پیشنهاد کند که این پول را یک‌مصرف عام‌المنفعه بزند و یک طریقه اتخاذ کند که مردم از این فقره فایده خلاص شوند - قسمت دیگر که گمان می‌کنم جزو یکی از مواد پرگرام دولت هم بود - مسئله عریضه بود که چند روز قبل تجار و اصناف بعرض مجلس رساندند وضعیت ظاهراً طوری است که وکیل تصور میکنند اگر فلان کار برخلاف شد استیضاح خواهد کرد - ولی عقیده بنده اساساً این است که قوای ثلاثه مملکت باید از هم جدا شود مجلس باید کار خودش را بکند و دولت هم باید کار خودش را انجام بدهد - امروز متأسفانه یک قسمت از قوای تقنینیه بدست مأمورین دولت افتاده باین معنی که خودشان قانون وضع می‌کنند و خودشان بهرطوری که صلاح میدانند آنرا اجرا می‌کنند و بالاخره هر کاری که میخواهد میکنند و هیچ معلوم نیست اثر قوانینی که و کلاء در مجلس وضع می‌کنند و باید بدست مأمورین دولت اجرا شود چیست؟ با اینکه خرجش را ملت میدهد فایده‌اش برای او چیست گرچه بنده خیلی از نظریات دیگر هم داشتم که لازم بود عرض کنم ولی در موقع سواد عرض خواهم کرد و چون نمیخواهم از نظایات مجلس خارج شوم همینقدر عرض میکنم و استدعا دارم دولت یک بدل توجهی باین نکات و عرایض بنده بنمایند و اگر اصلاح این مقدمات و اصولی که بنده عرض کردم خود دولت در نظر

به این فکر افتادم که به بینم کدام یک از سواد و اصول قانون اساسی معطل مانده و اجرا نشده است. متأسفانه دیدم فقط چند ماده که اجرا شده میتوانم جدا کنم. بدیهی است قانون اساسی برای این وضع شده که ملت ایران از اجرای آن مطمئن باشد و نیز مطمئن باشد از اینکه شب هر کس در خانه‌اش راحت میخواهد و نمایندگانشان در اینجا ناظر در اجرای آن هستند قوانینی که در این مجلس وضع میشود برای باقی ماندن در گوشه‌طایفه است؟! قانون دیوان محاسبات وضع شده. کوآن دیوان محاسباتی که صورت حسابش باید به مجلس بیاید؟ بنده که یک همچو چیزی سراغ ندارم حالا از قبیل این قانون که اجرا شده زیاد است اینجا در پرگرام اشاره کرده‌ام به اصلاح بلدیها. ولی هیچ اشاره نکرده به اجرای قانون بلدی و اجرای انجمن‌های بلدی و ولایتی و ایالتی. تمام اینها قانون دارد. مملکت اگر مشروطه است باید هر قسمتش قانون داشته باشد و قانونش هم اجرا شود نه اینکه آن قانونی که به نفع ما آنرا صحیح بدانیم و بگوئیم باید اجرا شود و آن چیزی که به نفع ما نیست معتقد شویم که نباید اجرا شود بنده این قسم مشروطه را یک مشروطه صحیحی نمیدانم و نمیدانم که ما چه هستیم. از این جهت بنده به خیال افتادم در موقع مطرح شدن پرگرام دولت در مجلس عرایض خود را عرض کنم. اینجا یک اصولی در پرگرام در نظر گرفته شده است که مقدس است ولی یک مقدساتی دارد بنده نمیدانم دولت این مقدمات را در نظر گرفته است یا نه؟ اول باید آن مقدمات را در نظر گرفت و بعد به این اصول پرداخت والا نه این دولت بلکه هیچ دولتی از عهده اصلاحات بر نخواهد آمد. یکی وضعیت ادارات است. وضعیت ادارات دولتی حقیقتاً هیچ خوب نیست. در اینجا از اقتصادیات صحبت میشود بنده عرض میکنم یک قسمت عمده ضررهای اقتصادی ما بواسطه عدم لیاقت یا خیانت مأمورین دولت است که حتماً باید اصلاح شود. اینجا گفته میشود (حسن روابط با دول متحابه) بنده عرض می‌کنم برای اجرای این مقصد و نیت باید مأمورین صحیح فرستاده شود. گفته میشود فلاح و بدبختیانه با فلاح و زراعت این مملکت یک دشمنی خاصی میشود. وزارت فلاح و تجارت اول باید اداره فلاحی و تجارتی را اصلاح کند. اول باید این مسأله در مملکت درست شود والا به نوشتن تنها تجارت و فلاح اصلاح نمیشود. آقایانیکه در دوره بیست‌سال مشروطیت بوده‌اند میدانند که پرگرامهای زیادی با دولتها آمده و رفته و هیچ اثری هم بر اینها مترتب نشده است. راجع به صحیح صحبت میشود و همینطور راجع به چیزهای دیگر که در این پرگرام نوشته شده. بنده هر چه نگاه کردم مقدمات این اصول را پیدا نکردم اگر دولت این مقدمات را که حقیقتاً لازم است در نظر گرفته که قبل از همه چیز آنرا اجرا کند بنده عرضی ندارم بلکه آرزوی اجرای آنرا دارم. و اگر در نظر نگرفته‌اند استدعا دارم در نظر بگیرند. آقای فرسند در ضمن پرگرام یا سرانجام خودشان که در دوسه جلسه قبل در مجلس قرائت نمودند یک اظهاری فرمودند که بنده متأسفانه با این اظهار ایشان مخالفت فرمودند راه‌آهن برای ایجاد وحدت ملی است. بنده نفهمیدم مقصودشان از این اظهار چیست. خوش بختانه

گرفته که بنده هم موافق خواهم بود - و اگر در نظر نگرفته خوب است در جزو لوایح خودشان در نظر بگیرند و پیشنهاد کنند - و متأسفانه این مقدمات را خیلی واجب تر و مقدم تر میدانم.

رئیس - آقای حایری زاده - (اجازه)

حایری زاده - من فکر میکردم که چه طور آقایان موافقین به نوبه پشت کرسی نطق میآیند و اظهارات خودشان را می کنند. آقای ارباب هم که یکی از موافقین دولت هستند یک مشت دردهای مهم مملکتی را در اینجا تشریح کردند - بدهی است اگر این دردها نمی بود ما این اندازه علاقه مندی نسبت با آقای مستوفی اظهار نمی کردیم - علت اینکه ما این قدر اصرار میکردیم و ایشان هم استکلاف از قبول و تصدی میگردند برای همین بود که ایشان بیایند و این دردهای ما را در میان و نواقص موجود را اصلاح کنند - و وضعیت اقتصادی را اصلاح کنند - معروف است درد کوه کوه سیاید و سوسوم رفع میشود سالکی هم که سالها از حیث تمدن و قانون از ما جلوترند این دردها را دارند و همه روزه از وضعیت خودشان داد و فریاد دارند - زیرا هنوز ماشین اصلاحات شکلی که عامه را راضی کرده باشد بجز این بیفتاده - من خودم اقرار میکنم که من یک نفر و کیلی هستم از طبقه عوام (این مجلس هم مجلس عوام است) اطلاع کافی از سیاست عمومی نداریم - فقط تکالیبی را من میتوانم ادا کنم و وظیفه ما فقط از نقطه نظر بودجه و دادن رأی اعتماد بمأمورینی است که باید قانون مجلس را اجرا کنند - برای همین مقصود و تکلیف هم بنده منتهای سعی را میکنم و خیلی هم سعی دارم که از این حدود خارج نشوم زیرا از این بیشتر اطلاعی ندارم یک قانونی در چند دوره قبل نوشتیم - و باز در دوره بعد آمدیم یک چیزهایی نوشتیم که آن قانون را فلج کرده و بلا تکلیف گذارده است مثلاً در مجلس چهارم ما آمدیم و یک اختیاراتی باقی داشت که مصدق دادیم که امور مالییه ما را اصلاح کند این اختیار تمام قوانینی که راجع با امور مالییه بود فلج کرد - ما بایشان اختیار دادیم که بیایند و مالییه ما را اصلاح کنند ولی پس از اینکه آن کابینه و ایشان رفتند کاری نکردند و آن قوانین سابق هم فلج شد و معلوم نشد چه شد بعضی از نمایندگان - آن اختیار محدود بود -

حایری زاده - غرض این است که این دردها هست و هر وقتی که ما میخواهیم این مسائل را اصلاح کنیم و قوانین را از حالت فلج بیرون بیاوریم بقدری بدبختی بما فشار آورد و بقدری مسائل تازه از هر طرف پیش آمد که نه بویکیل ونه بدولتها فرصت نداد که این نواقص را اصلاح کنند - و حالا هم راجع باین مواد که در پروگرام ذکر شده و هیجده ماده است (ولی بنده در بعضی در روزنامه ها دیدم بیست ماده نوشته اند و نفهمیدم آن دو ماده از کجا آمده) خوب است آقایان موافقت بفرمایند - زیرا ما بشخص آقا اعتماد داریم - خودشان پروگرام هستند و فرضاً این مواد را هم در پروگرامشان نمی نوشتند و اینجا نمی آوردند باز ما از نقطه نظر مصالح مملکت صلاح میدانستیم که باقی مستوفی رأی اعتماد دهند - تا مملکتی که وقایع بزرگی در آن اتفاق افتاده و در عرض این بیست سال مشروطیت بحال انقلاب بوده به جریان صحیح

چه مسائلی پیش آمده که موجب طول بحران شده و بالاخره یک کسی وقتی قبول کرد در آن ساعت آخرین سوادى طرداً للباب بطور پروگرام تهیه میکنند و فوری بمجلس میآورند - و مثلاً چون آقای مدرس با ایجاد کارخانه آهن ذوب کن علاقه دارند برای رضایت خاطر ایشان یک ماده هم بنویسند (ایجاد کارخانه آهن ذوب کن) خلاصه باین ترتیب یک پروگرامی تهیه آورده میشود از این جهت است که اگر بعضی از آقایان از رأی دادن امتناع دارند یا اظهار مخالفت میکنند برای این است که معلوم نیست بر روی چه اصولی صحبت خواهند کرد و یارای خواهند داد والا با این سوادیکه در اینجا نوشته شده - اصولاً کسی مخالف نیست - آقای حایری زاده میفرمایند آقای رئیس الوزرا خودشان پروگرام هستند - بنده عرض می کنم تمام افراد ایرانی خودش پروگرام است و البته هر کس یک آرزوهای خوبی دارد و میخواهد بآن آرزو نائل شود خلاصه چنانچه عرض کردم بنده و رفقای بنده با پروگرام مخالف نیستیم ولی از مدلول آنهم چیزی نمی فهمیم و نمی توانم در آن اظهار عقیده کنم منتهی در ضمن عمل توضیحاتی که آقایان وزراء خواهند داد امیدواریم موافق میشویم .

(جمعی از نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است - و بعضی دیگر اظهار کردند کافی نیست) .

رئیس - آقای بان داد - (اجازه)

میرزا محمد علیخان بان داد - فرمایشات آقای فهیمی خلاصه میشود در یک جمله و آن ابهام و اجمال پروگرام بود ولی بنده قبل از اینکه نظریات خودم را در باب پروگرام و این اظهار ایشان عرض کنم لازم میدانم چند کلمه در جواب فرمایش آقای ارباب عرض کنم زیرا رفیق محترم بنده آقای حایری زاده برای حسن نظر و اعتمادی که بحضرت آقای مستوفی دارند تمام محاکمات را موقوف کردند با احساسات و نظریات شخص خود آقا - این نظریه را بنده تقدیس کرده و میکنم ولی چون یکی از آقایان نمایندگان فرمودند این جواب آقای ارباب نشد لذا لازم میدانم چند کلمه در این باب عرض کنیم آقای ارباب اصولاً مخالفتی نداشتند و با شخص آقا و کابینه شان موافق بودند ولی در موادی نظریاتی داشتند که این نظریات هم اختصاص بشخص ایشان نداشت بلکه همه در این نظریات شریکیم البته هیچکس نیست که بگوید این اظهار و فرمایش ایشان بجا و بموقع نبود خلاصه آنکه تمام نظریات آقای ارباب متوجه میشود بسوء جریانات امور اداری و البته یک مملکتی همین حرف را میزند و همین عقیده را دارند و همانطور که آقای حایری زاده فرمودند علت اینکه از بدو دوره ششم مجلس و آقایان نمایندگان محترم اکثر اصرار و ابرام داشتند که شخصی مثل آقای مستوفی قبول ریاست وزرائی و زمام داری را نمایند برای همین مسئله بود - برای برطرف کردن سوء جریان اداری بود و حالا هم بعقیده بنده مجلس و دولت باید دست بهم داده و صمیمانه این دردها را درمان و این نواقص را اصلاح کنند یک علت دیگر هم راجع به جوانی تشکیلات اداری است انکار نیاید کرد که تشکیلات ما جوان و تازه است و هنوز آن طور که باید نضج نگرفته و البته جوان عمری لازم دارد تا پخت شود - و اگر یک ملتی بیشتر علاقه مند بود زودترین مرحله عمر را می گذراند و اگر خیر کمتر

علاقه مندی داشت البته بطور جریان خواهد داشت - دوم غیر عادی بودن اوضاع این دو سه ساله که البته اصطکاک زیاد میشد در افکار - ادارات هم مال همین مملکت است این بود که برسوء جریان شاید قدری هم افزوده شده باشد ولی امروز الحمد الله اوضاع دارد عادی میشود و یکی از مراسم و آرزوهای ما این است که اوضاع ما شروع بکند بشکل عادی گرفتن که در عرض یک مدت کمی با موافقت با دولت آبهای از جو رفته دوباره باز بجو بیاید ...

آقایید یعقوب - یعنی دوباره انقلاب شود؟!

بان داد - دیگر آنکه راجع به عدم اجرای محاکمات آقای

ارباب شرحی فرمودند بنده تصدیق میکنم نظریه ایشان را ..

بعضی از نمایندگان - آقا مخالفند!

رئیس - خیر تصدیق می کنند مخالفت را .

بان داد - اینها مربوط است بیک نظریات و سوابقی و البته

باید اصلاحش را بخواهیم و اینها نیکه در این مملکت متراکم شده باید اصلاحش کرد - الان نمیشود گفت که فلان خرابی برای این است که پروگرام اینطور است و البته این خرابیها محسوس است و باید دست بهم بدهیم برای اصلاح - یکی هم مسئله وجود قند و شکر بود که فرمودند یک بولهای در یک جایی جمع شده ولی راه عملی غیر از این چه بود که یک بولی که مجلس شورای ملی مخصوص و منحصر کرده برای یک مصرف معینی اجازه نداده بمصرف دیگر برسد - چه میکردید؟ اگر بجز این میدانداختند که از آن اختصاص خارج میشد - البته باید یک جایی جمع کنند که بعد از آنکه مقدمات راه آهن فراهم شد صرف نقشه برداری و کارخانه آهن ذوب کنی و غیره کنند - این پول را باین مصرفها برسانند بعلاوه که بیک مورد منفعتی هم آن را استعمال کرده اند . حالا اگر غیر از این راه عملی باشد که پول هم از حد اختصاصی قانونی خارج بشود و هم در معرض تداول باشد و در مملکت جریان پیدا کند آن را بنده نمیدانم - باید پیشنهاد کنند .

اما راجع پروگرام بنده یا این پروگرام کاملاً موافقم نه برای اینکه با آقای رئیس الوزرا موافقم و مکرر رأی اعتماد داده ام و عین الرضا سبب این شده است که هر چه که از آقا تراوش کند و بنویسند موافقم . نه - بلکه برای خود پروگرام . برای اینکه اصلاً پروگرام یعنی چه؟ یعنی بیک؟ دولتی با اطلاع و احاطه آن نقطه های احتیاجات و ضروریات مملکت را تشخیص داده و روی آنها پروگرام نوشته و ماده بندی کنند و بمجلس بیاورند و این پروگرام طوری است که معنی مسئولیت را نشان میدهد و اگر کلی گوئی و فیلسوف منشی و مرام نویسی بود یک دولتی نمیتوانست مسئولیت را قبول کند مثل خیلی از پروگرامها . مثلاً : ترویج در اقتصادیات ، سعی در فلاحات ، اینها یک چیز کلی بود هر وقت یک نماینده میگفت آقا فلاحات و تجارت کو، جواب میداد ترویج میکنم، اینکه صریحاً بنویسند من فلان کار را میکنم یعنی قبول مسئولیت میکنند در یک ماده های معینی . خلاصه اگر ما شاء الله با این دولت که رأی اعتماد داده ایم موافقت بکنیم و بهمان رأی مان باقی باشیم البته در سوغ میتوانیم بگوئیم شما که در پروگرام نوشته اید فروش تدریجی خالصات، کو لایحه

مقدمتاش؟ همینطور مواد دیگرش مثلاً «تأسیس بانک دولتی یا یک شعبه رهنی» این عملی، عملی است. کلی گوئی نیست. میتوانیم بگوئیم کولایچه‌اش پس این بهترین پروگرامهائی است که میشود گفت نه سرام است نه سرامنامه. اجمالی هم بنده درش نمی بینیم عرض کردم شاید گفته شود که همان عین الرضا سبب شده است ولی اینطور نیست مثلاً «اصلاح و توسعه راههای شوسه» نمیفهمم این چه اجمالی دارد؟! اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع بنقشه برداری خطوط مختلف آهن، این چه ابهامی دارد؟ بهر حال بنده کاملاً نظر بجنبه عملی بودن این پروگرام موافقم و هیچ اجمالی هم درش نمی بینیم فقط یک اجمالی درش می بینیم که اگر آقایان صلاح بدانند اضافه بکنند یکی در ماده سوم که مینویسد «اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن بدهای برای اراضی قابل زرع» این را اضافه بفرمایند «و خشکانیدن باتلاقیها برای جلوگیری از مالاریا» یکی هم در ماده «بیزدم» که نوشته «بسط و توسعه مدارس ابتدائی در تمام مملکت و تشکیل مدارس حرفه و مهندسی» در این ماده مخصوصاً تشکیل مدارس حرفه بقدری بنظر بنده خوبست که این یگانه آرزوی بنده بود که مدارس عملی پیدا شود که مرد عملی بیرون بدهد و این همه سرد اتکالی بیرون نیابند خوشبختانه شنیدم یکی دویاب از این مدارس افتتاح شده و اشخاصی را هم که متصدی کرده‌اند میشناسم که اشخاص لایقی هستند و از عهده برمیآیند.

البته نظر آقای وزیر معارف هم که این ماده را در سهم خودشان پیش بینی کرده‌اند و نوشته‌اند همین بود که بسط و توسعه مدارس ابتدائی بعد از تشکیل و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمیاتها در ایالات و ولایات باشد و گمان میکنم نظرشان همین بوده است و الا بنده با این پروگرام کاملاً موافقم و هیچ نقصی هم درش نمی بینم. وزیر عدلیه - عرض کنم راجع برعاریضی که بنده پریروز کردم گویایک سوءتفاهمی شده است برای بعضی آقایان مخصوصاً ذوات محترمی که در مجلس تشریف دارند تصور کرده‌اند که من در ضمن گفته‌ام که داخل در یک عملیات تریسمی بوده‌اند بنده عرایضی که کرده‌ام حاضر است در آن اظهارات چنین چیزی نبوده ولی البته ممکن است تزیینیاتی نسبت ببعضی از آنها بطور سهو و اشتباه شده باشد و بنده با کمال تأسف معذرت میخواهم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات در کلیات کافی است.

رئیس - کافی است؟

(گفته شد: بله)

رئیس - قسمت اول قرائت میشود.

۱ - حفظ حسن روابط با دول متحابه،

رئیس - آقایان موافقت چند دقیقه تافس داده شود.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

[درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل

و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید]

رئیس - قسمت اول پروگرام مطرح است. آقای فرمند

(اجازه)

وزراء مسئولیت مشترک دارند و هر یک از این سواد راجع به یک وزارتخانه است ماده اول راجع است به وزارت خارجه که باید روابط حسنه را حفظ کنند ولی به اعتبار مسئولیت مشترک اینها همه اشتراك دارند پس می شود بحث در کلیات نسبت به سواد هم کرد. ممکن است آن اکثریتی که مخالف با بنده است بگوید چون تو اقلیتی چرند و زخرف گفتی ولی....

رئیس - اکثریت این حرف را نخواهد زد ولی به موجب آن تعبیری هم که خودتان کردید این ماده ام‌المواد نیست و فقط در ماده اول می توانید حرف بزنید.

آقای سید یعقوب - بسیار خوب بنده حالا که آقای رئیس حقیقه متوجه هستند به اینکه اقلیت زیاد حرف نزنند... (خنده نمایندگان) و اکثریت دامنه اش باز باشد عرض می کنم که این آقای رئیس الوزراء الان دوره هفتم است که رئیس الوزراء شده‌اند و به اعتبار آنکه آقای مدرس فرمودند اگر همان کابینه سابق باشد بدون اینکه لباسشان تغییر کرده باشد و بعد تمایل اکثریت شد دوره ششم است و الا دوره هفتم و هفت مرتبه است که آقای رئیس الوزراء زمامدارا کثرت شده‌اند و بینی و بین الله همان طور که آقای مدرس فرمودند چه برای داخله و چه برای خارجه نه ضرر دارند و نه نفع و بنده امیدوارم در این دوره مملکت نفع کلی ببرد و فقط در یک پروگرامشان که در دوره سوم در ششم برج حوت ربیع الثانی ۱۳۳۳ بمجلس شورای ملی دادند این ماده در آنجا نیست چرا؟ علتش هم این بود که آن وقت جنگ بین المللی در دنیا بود و آن وقت دولت ایران موقع استفاده اش بود. بعقیده بنده بعلت اینکه ایران میتوانست در این قسمت از آنهایی که سارا همیشه در فشار داشتند استفادات بزرگی بکند و حالا چون نمیتوانم در کلیات صحبت کنم در کلیات آخر شرح مفصل خواهم داد. در پروگرام اولشان حفظ روابط حسنه نیست. نکته این است. اما در پروگرامی که در دوره چهارم تقدیم مجلس کرده‌اند این است عبارت: حفظ روابط حسنه با دول متحابه و انجام قراردادهای تجارتنی و پستی و تلگرافی با دولت روسیه. بنده الان در حضور آقای وزیر خارجه و خود حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء عرض میکنم که دولت شمالی تمام سرحداتش را بما بسته است یک خرده از مال التجاره ما را نمیگذارند بآنجا برود. آن وقت میگویند روابط حسنه است! این روابط حسنه است؟! که در تجارت را بروی ما سد کرده. نفت و بنزین را میآورد. پول و مواد خام که اصول زندگانی ماست میبرد اما در مقابل یک قدری برنج و خشکه بار که داریم نمیبرد این در واقع حفظ روابط حسنه است؟! تصور نمیکنم که این روابط حسنه باشد که توجوب بخور و هر چه داری بمن بده. با آقای تقی زاده یک وقتی در کمیسیون صحبت میکردیم گفتند شما در خانه ما دعوت میشوید چلو میخورید ما در خانه شما باید چماق بخوریم. توستری بخوریم. این است روابط حسنه. بنده نمیدانم دولت چه در نظر گرفته است! ایران میسوزد در آتش فقر و فاقه برای چه برای اینکه راه تجارت را بر ما سد کرده‌اند. اگر چه جرأت نمیکنم این حرف را بزنم ولی باز میگویم سالارالدوله میآید سرحد

کردستان جنگ میکند این روابط حسنه است؟ این اوضاعی که در کردستان هست که نه من اطلاع دارم و نه کسی اطلاع دارد و نه هیچ یک از وکلا اطلاع دارند پس این چه روابط حسنه است؟ پس خوبست نوشته شود تغییر روابط سابقه و ایجاد روابط مستحسنة والا این طوری که الان هست و میخواهند حفظ کنند استدعا میکنم این را حفظ نکنند چرا؟ برای اینکه حفظ کردن یعنی اینکه موجود است باید باشد و باید طرف شمال بر ما مسدود باشد و این طرف هم هی تفنگ بدهند و ایلات ما را بحال توحش و تزلزل بیندازند و جنگ در داخله مملکت ایجاد کنند و مارا خفه کنند. بنده عقیده ندارم باین ساده و باید بکلی از پروگرام برداشته شود و یک روابط جدیدی ایجاد کنیم آقای وزیر خارجه که مدتها هم در خارجه بوده‌اند و الحمد لله حالا دونفر از سفرای کبار جزء وزرای عظام هستند، آقای این روابط حسنه است؟! حقیقه نمیدانم این چطور روابط حسنه است!! خفه کردن ملت روابط سودت است؟! تسلط عزرائیل است. عرض کنم. این روابط حسنه را ما نداریم. خوب است بک عملیاتی بکنند که این وضع تغییر کند. ایجاد یک روابط حسنه هم با دولت شمالی و هم با دولت جنوبی بکنند بواسطه اینکه مکرر بنده در پشت همین میز خطابه عرض کرده‌ام که ملت ایران یک ملتی است صلح طلب و بردبار و یک ملتی است که کهن افراد جامعه بشریت است؟ و همیشه دست دوستی بهمه داده و هیچ وقت تحمل نکرده اما این طور هم نیست که از طرف دیگران هم تحمیل بر او بشود. قرقم میبکند و عقیده‌ام این است که حق دارد و در مواقع خودش هم خیلی خشن و سخت است بنده عرض میکنم با این ترتیبی که جریان دارد در این مدت ابداً روابط حسنه نیست و باید تغییر کند و هرلویحی که در این خصوص در نظرتان هست در اینجا بدهید و یک مسأله دیگر این است که آقایان موافقین بیان کردند مخصوصاً آقای باسداد و آقای حائری زاده که عین الرضا عن کل عیب کابینه بیان کردند بنده قبول دارم لیکن بنده عمل می خراهم بنده به کسی می گویم خوب که بنشینید و برای مملکت کار کنید کسی که برای مملکت کار نکند بنده با او خوب نیستم بنده کسی را که کار بکند و دامن به کمر بزند و بهایهوی و جنجال بازیا اغتنان کند و بنشیند معضلات را حل بکند می خواهم. بنده می خواهم آقای رئیس الوزراء بفرمایند قرارداد تجارتنی در دوره پنجم که در کمیسیون فواید عامه و خارجه دعوت کردیم خود حضرت اشرف تشریف می آورند آقای پیرنیا بزرگ و کوچک هم تشریف می آورند آقای تقی زاده و آقای مدرس هم تشریف می آورند کدام قرارداد تجارتنی تاحال یک کلمه اش روی کاغذ آمده غیر از این است که تمام طلا و نقره ما را برده‌اند این قرارداد تجارتنی است! همین ماده اول بود که در دوره چهارم صحبت بود از آن دوره تا بحال چهار پنج سال گذشته سلاخه بفرمائید اگر دریای طلا و نقره هم در ایران بود باین طوری که مثل سیل جاری است و می رود چه برای ایران باقی می ماند؟! مکرر گفته شده و الان هم این مطلب را به آقایان اطلاع می دهم که در تمام سرحدات آنچه که طلا و نقره بود به اسم اینکه مال بانک و غیره

است می‌برند. ماده قانونش را می‌خواستیم تذکر بدیم به این وزرائی که طرف اعتماد من نیستند... (خنده نمایندگان) - که درین باب یکفکری بکنند و نگذارند طلا و نقره ما ازین برود بنده به این نظر با این ماده که حفظ روابط حسنه با دول متخاصمه است کاملاً مخالفم و باید این ماده تغییر کند و خود آقای رئیس‌الوزراء هم تصدیق دارند که این روابط و روابط حسنه نیست چون بیشتر از این اجازه نمی‌دهند مذاکرات را ختم می‌کنم و خواهش دارم که اکثریت به بنده اجازه بدهند که در کلیات آخر خیلی حرف بزنم و مخصوصاً راجع به وزارت مالیه خیلی صحبت دارم و یک مسأله دیگر را از آقای رئیس می‌خواستم اجازه بگیرم عرض کنم خوبست آقای رئیس‌الوزراء که در پشت تریبون آن سراسله را تکذیب کردند او را از هیئت‌وزراء خارج کنند و خودشان وزارت جنگ را به عهده بگیرند...

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - اگر چه رفیق محترم بنده آقای آفاسید یعقوب اجازه خواسته بودند که در کلیات مذاکره بفرمایند که مذاکرات کافی شد بنده خیلی خوشنودشدم که در مسائل دیگری و مذاکرات دیگری مواجه با ایشان نشدم ولی در تحت سواد پروگرام آنچه که ایشان مذاکره کردند اینها بی بود که بنده اینجا یاد داشت کرده‌ام یک فرمایش در جلسه گذشته آقای مدرس فرمودند که امروز مورد سوء استفاده آقای آفاسید یعقوب واقع شد و آن این بود که آقای مستوفی الممالک شخصی هستند که نه داخله از ایشان استفاده می‌کنند نه خارجه. بنده در یک قسمتش با ایشان موافقم که هر وقت ایشان زمامدار مملکت شده‌اند خارجه نتوانسته‌اند از ایشان استفاده کنند و در آتیه هم مطمئنیم نخواهند کرد ولی داخله از ایشان استفاده کرد و می‌کنند و وجود ایشان برای ما مغنم است. هر ملت یک عده رجال سیاسی با تقوی برای خودش ذخیره کرده است و هر موقعی لازم بداند و هر روزی که مورد استفاده بداند آنها را می‌آورد زمامدار مملکت می‌کند و از آنها مسئولیت می‌خواهد و امروز از آنروزهایی است که ما صلاح دانستیم که آقای مستوفی الممالک در رأس حکومت ایران قرار بگیرد و مسئولیت رادر مقابل مملکت و ملت و مجلس قبول کنند و با اطمینانی که از عملیات گذشته ایشان داریم اطمینان داریم که در آتیه هم در سیاست داخله و خارجه خط و خطائی نمی‌کنند و با اطلاعات عمیقی که دارند در سیاست و اوضاع و دنیا و مملکت و با شناسائی که مردم در حق ایشان در حق مردم دارند و همچنین با شناسائی که ایشان در حق خارجه در حق ایشان دارند هیچ جای سوءظن نیست که از این بعد در کابینه که ایشان مسئولیتش را قبول کرده اند یک سوءتفاهمی واقع شود و این راهم عرض کنم که ماها که از اول به ایشان اظهار تمایل کردیم و حالا هم ورقه سفید سانسرا تقدیمشان میکنیم بیشتر از نقطه نظر شخص ایشان بود که ایشان در رأس حکومت قرار گرفته‌اند البته به آقایان وزراء هم نظر سوئی نداریم و همانطوریکه بعضی آقایان اظهار کردند مسئولیت مشترک است ولی در یک هیئتی اگر یک عضو مستقی

عاسل بود بنده ممکن است باطمینان آن عضو ورقه سفید خودم را بدهم و باعضاء دیگر هم که کسی نظر سوئی ندارد، همه آقایان ورزیده و مجرب در سیاست و بالاخره یک روزی از این اشخاص باید استفاده کرد، آقای آقا سید یعقوب فرمودند: تجارت شمال ما دچار وقفه شده است، باب صادرات شمالی بروی ایران بسته شده. تصدیق میکنم ولی اگر بماده دوم پروگرام نظری فرموده باشید (اصلاح و توسعه امور تجارت و تسهیلات راجعه به ترانزیت و رفع اشکالات موجوده آن) این طور بنده از این ماده استنباط میکنم که مقصود آقایان وزراء از این ماده همان منظور جنابعالی بوده است و نظر اکثر نمایندگان که اظهار تمایل کردند برای حل این قضیه بود، البته جهات دیگر هم داشت ولی مخصوصاً برای این بود، ما این وضعیت ناگوار تجارت را تصدیق میکنیم ولی بالاخره از آقایانی که زمام امور مملکت را بدستشان میدهم این توقع را داریم که باسرع اوقات این مشکلات را رفع کنند. یک مذاکره هم فرمودند راجع بطغیان سالارالدوله و حوادثی که در کردستان اتفاق افتاده، بنده نظر باینکه اطلاع رسمی ندارم نمی‌توانم اظهار عقیده کنم ولی تصور میکنم با این قشون نیرومندی که ما الان داریم اینگونه حوادث کوچک قابل اهمیت نیست و امیدواریم اگر حادثه رخ داده بزودی مرتفع بشود.

همچنین راجع بروابط حسنه فرمودند: اگر بجای حفظ روابط حسنه می‌نوشتند (ایجاد روابط حسنه) بهتر بود. بنده تعجب میکنم از آقای آقا سید یعقوب، ایشان خودشان میفرمایند که دولت ایران همیشه صلح طلب بوده است و همیشه احساسات دوستانه نسبت باجانب نشان میداده است، آنوقت میگویند: روابط حسنه که داشته‌ایم دولت حفظ نکند، بلکه ایجاد روابط حسنه در صورتیکه روابط حسنه بوده است و حالا هم هست و در آتیه هم انشاءالله دولت موفق میشود این روابط را حفظ کند و اگر مشکلاتی هم پیدا شده با نظر دوستانه و مودت آن مشکلات را رفع خواهند کرد ما بین خیلی دول مشکلات پیدا میشود ولی آن اصل مودت محفوظ است و آن مشکلات جزئی را هم که پیدا میشود با نظر دوستانه حل میکنند، خلاصه اینکه روابط با دول همجوار و غیرهمجوار کاملاً مستحسن بوده است و دولت سکف است آن روابط حسنه را حفظ کند به علاوه ایشان راجع به خروج طلا و نقره اظهاری کردند از قراریکه معلوم است یک قانون یا تصویب‌نامه بوده است که طلا و نقره در یک مدت معینی خارج نشود و حالا آن مدت منتهی شده و تصور میکنم در نظر هیئت دولت هم باشد که آن قانون را تمدید کند و یک لایحه به مجلس بیاورد و از مجلس بگذراند این یک چیز خیلی فوق‌العاده نبوده که بواسطه آن با یک کابینه که در رأس آن یک شخصی مثل آقای مستوفی الممالک قرار گرفته است مخالفت بشود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - ماده دوم قرائت میشود.

(به شرح آتی خوانده شد)

دوم - اصلاح و توسعه امور تجارت و تسهیلات راجعه به ترانزیت و رفع اشکالات موجوده آن.

رئیس - آقای فرمند، (اجازه)

فرمند - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو، (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این ماده دو قسمت است، یکی اصلاح و توسعه امور تجارت و یکی هم تسهیلات راجع به ترانزیت. تجارت بر دو قسم است. یکی مسائل ضروری برای کسب و یکی هم مسائل تجملی که خانه کسب را خراب کرده است. اینجا گفته میشود (توسعه) شاید اصلاح یک اثری بدهد ولی اگر توسعه باشد گمان نمیکنم. اینجا بنده در ضمن این ماده انتظار داشتم که به مسأله جلوگیری از اشیاء تجملی هم توجهی بشود، ما به کجا میرویم. از یک طرف میگوئیم مسائل اقتصادی را نظر داریم و از یک طرف هم درب دروازه‌های مملکت باز است و هر روز اسباب‌های تجملی به این مملکت میآید، حالا نمیخواهم داخل در جزئیات بشوم که چه چیزها بچه قیمت میرسد ولی بالاخره وقتیکه نگاه کنید در ادارات اگر بعضی اجزایش مجبور میشوند بعضی کارها بکنند مربوط به مسائل تجملی است و همچنین اگر بعضی خرابیهای دیگر وارد میشود تکیه‌اش بهمانست. به عقیده بنده لازم است به هر قسمی که صلاح میدانند از ورود اشیاء تجملی جلوگیری کنند. قسمت دیگر مسأله ترانزیت است، در ۲۳ قوس ۱۳۰۰ معاهده میدانی که بین دولت روس و ایران منعقد شده است در فصل ۲۰ آن مینویسد: طرفین معظمین متعاهدین متقابلاً به همدیگر حق ترانزیت میدهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه به ممالک ثالثی مال التجاره حمل نمایند ضمناً بر مال التجاره حمل شده عوارض پیش از آنچه از مال التجاره دول کاملاً الوداد (غیر از ممالک متحده با جمهوری اتحادی شوروی روسیه) اخذ میشود نباید تعاقب بگیرد. این معاهده تصویب شده است در آنجا هم یک ماده صریحی است که بایستی اجراء شده باشد ولی اینجا تازه جزء پروگرام آمده است این یک اصلی است که جزء قرارداد بوده از این جهت عملاً اجراء آنرا انتظار داشتم نه جزء پروگرام آمدن آنرا.

رئیس - آقای حائری زاده، (اجازه)

حائری زاده - فرمایش نماینده محترم یکی را جع به اصلاحات تعرفه گمرکی بوده که تقریباً بشکلی تنظیم شود که باعث اصلاح اقتصادی بشود. بنده تصور میکنم در ماده ششم که نوشته است: تهیه لوازم لازم راجع به اصلاح امور مالیه.

بدیهی است اصلاح امور مالیه که شد این مسأله در آنجا حل خواهد شد، اما در قسمت ترانزیت اگر نظر نماینده محترم باشد در آن جلسه تاریخی که این عهدنامه از مجلس چهارم میگذشت در این موضوع خیلی مذاکرات شد که ترانزیتی که بیشتر به نفع ماست ترانزیت وارد است که جاسی که میخواهیم بیاوریم از روسیه عبور بدهیم و بیاوریم و اگر اجناس خودمان را هم خواسته باشیم عبور بدهیم ولی چون استعنه مایک استعنه سنگین وزن سبک قیمتی است صرف نمیکند که یک راه زیادی را بپیمایند و اگر خواسته باشند عمل بکنند تصور میکنم از طرف دولت مجاور هم مخالفتی بشود و این قسمتی که دولت در نظر گرفته است برای ترانزیت

وارد است که ما خودمان از ممالک اروپا که مال التجاره خریدیم از راه روسیه بتوانیم عبور بدهیم و بیاوریم و این ماده گمان میکنم واضح باشد و بیش از این محتاج به توضیح نباشد.

رئیس - آقای فهیمی، (اجازه)

فهیمی - در این ماده عرضی ندارم.

رئیس - قسمت سوم.

(به شرح ذیل خوانده شد)

سوم - اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آنها و بستن سدها برای آبیاری اراضی قابل زرع.

رئیس - آقای فرمند، (اجازه)

فرمند - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو.

ارباب کیخسرو - بنده بطوریکه در کلیات عرض کردم البته تقدیس میکنم این نظر دولت را برای اصلاح عمل فلاحی ولی بنده چون نمیدانم که چه قسم اصلاحی در نظر گرفته‌اند اینجا انتظار داشتم که در یکجائی می‌گنجاندند جلوگیری از خرابیهای مأمورین دولتی. اصلاح دومی که بنده در نظر داشتم که شاید اگر دولت هم در نظر می‌گرفت خوب بود، اصلاح مالیات ارضی است، این موضوع مالیات ارضی یکی از چیزهایی است که عمل فلاحت را خراب کرده است، اگر دولت یک اصلی برای این امر در نظر بگیرد و متوجه میشد خیلی خوب بود زیرا عمل فلاحت در واقع یگانه چیز است که این مملکت میتواند بوسیله آن ترقی کند بنابراین در اینجا نیست در اینجا قسمت سد بستن برای آب‌ها را سز کرده شده البته خود دولت تصدیق میفرمایند سد چیزی نیست که امروز بسته شود و فردا در عمر این کابینه آب جاری شود. بلکه اگر در عوض این بنویسند: جلوگیری از تعدیات مأمورین مالیه برای رسیدن آبهای موجود بزراعت. مقدم‌تر بود.

رئیس - آقای حائری زاده، (اجازه)

حائری زاده - یکی از خرابیهای که ما از قدیم به ارث برده‌ایم ترتیب مالیات ارضی است سانی هم نیست که ما آنرا از نظر دولت بگذرانیم که دولت متوجه خرابیها باشد و درمدم اصلاح برآید. اگر آقای ارباب در این موضوع بیش از اینهم صحبت بفرمایند من به ایشان حق میدهم ولی اگر نظر سبارکشان باشد در مجلس پنجم وقتی قانون مالیات اسلاک اربابی و سماعی و سواشی میگذشت در آن موقع هم در این موضوع صحبت شد و گفته شد که باید یک محل دیگری پیدا کنیم تا بتوانیم اینطور مالیاتها را بهم بزنیم زیرا مأمورین مالیه وقتی بدهات و قصبات میروند مردم را توقیف میکنند، گوسفند هاشان را توقیف میکنند، محصول را توقیف میکنند و برای وصول یک مالیاتی که چهار میلیون و نیم بیشتر نیست مبلغی خرج میکنیم و این اشکالات هم هست ولی ما تا یک محلی پیدا نکرده‌ایم که بجای این بگذاریم اگر دولت بخواهد از این مالیات صرف نظر کند چرخهای دولت فلج میشود وقتی هم که دولت نتواند صرف نظر کند باید بدست مأمورین مالیه این عمل انجام

بگیرد و این مالیات وصول شود آنهم اداری که به فرمایش آقای بامداد خیلی جوانست و تازه تأسیس شده، سابقاً مالیات مملکت ما عنوان ابوابجمعی داشت مثلاً ناحیه فارس ابوابجمع قوام الملک بود، یک ناحیه دیگر ابوابجمع فلان خان بود ولی امروز دولت میخواهد به جزء عمل کند و مالیات را قسمت قسمت وصول کند، در مملکتی که معارف ترقی نکرده و آن اندازه اشخاص باسواد که به تحصیلداری و مباحثی بگمارد ندارد بدبھی است که این خرابیها هست و ما توقعمان از دولت این بوده است که یک راه حلی برای جلوگیری از این خرابیها فراهم کند، دولت در ماده ششم این جمله را پیش بینی کرده است (تهیه و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه به امور مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است) ما امیدواریم در این موضوع یک مطالعاتی بشود و ترتیبی بدهند که زارع و فلاح این مملکت از پرداخت مالیات معاف بشوند و مردم به عمل زراعت و آبیاری مشغول بشوند و زندگی جدیدی پیدا کنند و از آن کثافت پیش نجات پیدا کنیم ولی این کارها مدت لازم دارد تا انجام بگیرد والا بفرمایش آقای فهیمی از پشت تربیون پائین نیائیم تا راه آهن سوار شویم فائده ندارد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیهست.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه کرده اند، مخالفی ندارد؟

(بعضی از نمایندگان - خیر)

رئیس - چون روز شنبه عید مولود حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله خواهد بود حسب معمول یک عده میبایست به قرعه انتخاب شوند و در آنروز حضور اعلیحضرت برای تبریک مشرف شوند، سابقاً شش نفر انتخاب میشده حالا هم موافقت همان شش نفر باشد؟

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

(استقراع به عمل آمده نتیجه به طریق ذیل حاصل گردید)

آقایان: غلامحسین میرزا، مدرس، مرتضی قلیخان بیات...

یک نفر از نمایندگان - جزء هیئت رئیسند.

- بهار، علیخان حیدری، میرزا ابراهیم اهری، لیتوانی.

مدرس - بنده کسالت دارم عوض من یک نفر دیگر را

معین بفرمایند.

(مجدداً قرعه کشیده آقای خطیبی معین شدند)

رئیس - جلسه آتیه روز یکشنبه چهار ساعت قبل از ظهر،

دستور بقیه پرگرام.

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: امیر تیمور کلالی